



کردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

www.kurdistanmedia.com

شماره ۷۹۶۱ یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰، ۴ آوریل ۲۰۲۱



جامعه‌شناسی فرهنگ و ریشه‌های آن

۷



تشکیل سامانه از نگاه فوکو در بستر ...

۶



چرا باید نگران گسترش روابط ایران و چین باشیم؟

۵



پیام کمیسیون اجتماعی به مناسبت ۱۰ فروردین روز شهدای کردستان

۴

سفن

بر آشتی
مرداب

کریم پرویزی

غروب آن روز که جوانان روستا، با جمع آوری چوب و درختان خشکیده می‌خواستند آتش نوروز، همان آتشی که سمبل و نماد ملی کورد می‌باشد را روشن کنند، به ناگاه پیشمرگه‌ای که نماد هیبت و قدرت ملت کورد می‌باشد، در میانه حاضر شده، مشعل را از جوانان گرفته و خود آتش نوروزی را برپا می‌کند! در آن لحظه نه تنها حضار بلکه طبیعت دوروبر نیز با اشتیاق نظاره‌گر شعله‌های آتش نوروز بودند! آتش نوروزی که پیشمرگه‌ای آن را برای سرزمینش روشن کرده باشد، چه پیامی را با خود آورده است؟

همزمان صدها کیلومتر دورتر، در گوشه‌ای دیگر از این میهن، ساکنینی شهر با غروب آفتاب داشتند به خانه‌هایشان برمی‌گشتند، که دسته‌ای از محبوبترین فرزندان این میهن، یعنی پیشمرگان کردستان پرچم به دست وارد خیابان شده و با صدای فصیح و روان، فریاد آزادی‌خواهی سر دادند و پیام نوروزی شاخ را به گوش مردم شهر رساندند.

به دنبال سپری کردن سالی مشقت‌بار که رژیم اشغالگر کمر به فلاکت‌بارتر کردن هر چه بیشتر ملت کورد بسته بود، پیشمرگه با به اهتزاز درآوردن پرچم کردستان و مشعل به دست به میان مردم رفته و با پیام روشن و ساده خود گفتند: «ما از شماستیم و تنهاتان نخواهیم گذاشت»!

بعد از گذشت دو هفته از خلق این داستان حماسی، در یکی از کوه‌های سربه فلک کشیده کردستان، پرچمی پر افتخار قامت کوه را همچون لباسی رنگین پوشاند و مبارزان میهن در حالی که نظارگر پرچم برافراشته کردستان بر روی کوه بودند، همان پیامی را که پیشمرگان به شهر داده بودند را تکرار می‌کردند.

ادامه در صفحه ۳

شهید

اوج اعتقاد و ایمان به مبارزه است



کوردستان قرائت گردید. سپس چند آهنگ مختص مراسم روز شهدا از سوی هنرمند «فتاح سبزواری» تقدیم شد. همزمان با این مراسم در «جئینیکان» و کوه‌های سر به فلک کشیده مراسم ویژه برگزار گردید. در کردستان نیز مردم مبارز برای ادای احترام به راه شهدا و تجدید میثاق با آرمان‌های والای آنان فعالیت تبلیغی انجام داده و بر مزار شهدا حضور یافتند.

شهیدان پایان یافت. سپس پیام کمیسیون اجتماعی از سوی ماموستا «احمد رحیمی» مسئول این کمیسیون قرائت شد. بعد از قرائت پیام کمیسیون اجتماعی سرود «شهید گولی» چپای به‌رزه». از سوی کودکان آزادی تقدیم شد که سرپرستی آن را «خدیدجه بهمن» بر عهده گرفته بود. در ادامه پیام مشترک اتحادیه‌های دانشجویان، زنان و جوانان دمکرات کردستان ایران از سوی «جمال فتحی» دبیر اتحادیه دانشجویان

جلالی»، بر سر مزار شهید سید «سلام عزیزی» گذاشته شد. در بخش دوم مراسم، نمایشگاه عکس شهیدان از سوی «حسن شرفی» معاون اجرایی حزب دمکرات و مسئول شورای سیاست‌گذاری و همچنین «آمنه دادیلی» دختر ماموستا «کریم» و خواهر شهید «مصطفی دادیلی» و «شمال حاجی رسولی» برادر شهید «سلطان حاجی رسولی» به روی مهمانان مراسم گشوده شد. سپس این مراسم با سرود «نه‌ی رَه‌قیب» و ادای احترام به راه

سپس در گلزار شهدا سرود «نه‌ی شهیدان» از سوی هنرمند «غلام فاتحی» و نیروی پیشمرگه کوردستان تقدیم شد. همچنین سرود «مه‌پژن بۆم فرمیسکی خەم» از سوی دوره ۲۴۸ مقدماتی پیشمرگه تقدیم شد. در ادامه مراسم دسته‌گل وفا و احترام به راه شهدای کردستان از سوی «مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات، خانم «نذیره احمدی»، همسر شهید «اقبال علی رمایی» و آقای «عبدالکریم جلالی» برادر شهید «صبری

به مانند سال‌های گذشته با حضور رهبری حزب دمکرات، کادر، پیشمرگه و خانواده‌های شهدای کوردستان مراسم ۱۰ فروردین؛ روز شهیدان کوردستان گرامی نگه داشته شد. روز شنبه، مورخ ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۹، مراسم باشکوه عید نوروز در مقر اصلی حزب دمکرات کوردستان ایران با حضور مسئول اجرایی حزب، اعضای شورای سیاست‌گذاری، اعضای هیات اجرایی، کادر، پیشمرگه‌ها و خانواده‌هایشان برگزار شد.

مراسم نوروزی و سال نو در مقر اصلی حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد



«احسان رستگار» تقدیم شرکت کننده‌گان شد.

مراسم با «هه‌لپه‌پرکی» دختران و پسران گروه «آشتی» ادامه یافت. بخش بعدی مراسم شامل روشن کردن آتش نوروزی بود که از سوی «مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران و «کنیر مهفر» همسر «شهید رسول محمدزاده» روشن شد. مراسم با «هه‌لپه‌پرکی» و رقص و پای کوبی به اتمام رسید.

مسئول اجرایی حزب «مصطفی هجری» تقدیم حضار شد.

به دنبال پیام نوروزی آوازی کوردی تحت عنوان «شیرین به‌هاره» از سوی گروه موزیک «کویه» اجرا شد. در ادامه شعری از سوی «ماموستا بیبه‌ش پیروتی» تحت عنوان «من نه‌روژم» تقدیم حضار شد. در ادامه مراسم مجموعه آهنگ فولکلور کوردی از سوی گروه موزیک «کویه» تقدیم شد.

شعری تحت عنوان «ناگری نه‌روژ» از سوی پیشمرگه حزب

روز شنبه، مورخ ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۹، مراسم باشکوه عید نوروز در مقر اصلی حزب دمکرات کوردستان ایران با حضور مسئول اجرایی، اعضای شورای سیاست گذاری، اعضای هیات اجرایی، کادر، پیشمرگه‌ها و خانواده‌هایشان برگزار شد.

این مراسم با سرود ملی «ئه‌ی ره‌قیب» و یک دقیقه سکوت به احترام روح مطهر شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

در ادامه پیام نوروزی حزب دمکرات کوردستان ایران از سوی

مراسم نوروزی در «جیژنیکان» برگزار شد



اجرا شد.

ادامه مراسم همراه بود با اجرای «هه‌لپه‌پرکی» از سوی گروه

هه‌لپه‌پرکی پیشمرگان حزب. در بخشی دیگر مراسم مشعل آتش نوروزی از سوی «فاتح حیرانی، مهناز چگین، رقیه صمدی و نصرت احمدزاده» تحویل چهار فرزند شهید «چالاک اسماعیلی، ریباز و هنار خزری و جهان عزیزی» داده و آتش نوروزی از سوی این فرزندان شهدا روشن شد.

مراسم با شادی و سرور پایان یافت.

کوردستان ایران» از سوی «دانا راست خدیو» پیشمرگه حزب قرائت شد.

در بخشی دیگر از مراسم شعری تحت عنوان «من به‌پژوه» از سوی ماموستا «بیبه‌ش» تقدیم حضار شد. در ادامه «ساحل خادمی» پیشمرگه حزب، شعری با گویش کلهری تقدیم حضار کرد.

«شیرعلی» نیز «لاوکی» را با گویش کرمانجی، تقدیم شرکت کنندگان کرد.

همچنین آوازی کوردی تحت عنوان «نه‌روژ» از سوی «عثمان رحمانی» و با دف نوازی «سامان دهناد» پیشمرگ حزب دمکرات

روز جمعه، مورخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۹، مراسمی با شکوه نوروز در کمپ «جیژنیکان» حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد.

این مراسم با سرود ملی «ئه‌ی ره‌قیب» و یک دقیقه سکوت به احترام روح مطهر شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

در ادامه مراسم «کریم پرویزی» عضو هیات اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، ضمن تبریک این روز فرخنده، اشاره‌ای کوتاه به اهمیت نوروز برای ملت کورد داشتند.

پیام اتحادیه‌های «جوانان، دانشجویان و زنان دمکرات

مراسم نوروزی در «دیگه‌له» برگزار شد



کوردستان ایران» از سوی «پیشوا مردانی» مسئول کمیته اتحادیه دانشجویان «دیگه‌له» تقدیم حضار شد.

در بخش بعدی مراسم آتش نوروز از سوی «بداغ بداغی» مربی آموزشگاه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگ کوردستان و خانم «خاتون شریفیان» همسر شهید «حسین ستم‌دیده» روشن شد.

بخش پایانی مراسم نیز با «هه‌لپه‌پرکی» کوردی به اتمام رسید.

فرخنده، اشاره‌ای داشتند به اهمیت تاریخی مراسم نوروز برای ملت کورد.

در ادامه مراسم شعری تحت عنوان «نه‌روژ» از سوی شاعر جوان «رامیار شاه‌مادی» تقدیم حضار شد.

«هادی عزیزی» محقق تاریخ در ادامه اشاره‌ای کوتاه به تاریخ نوروز و ارتباط آن با ملت کورد داشتند.

سپاس پیام نوروزی اتحادیه‌های «جوانان، دانشجویان و زنان دمکرات

روز جمعه، مورخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۹، مراسم عید نوروز و فرا رسیدن سال نو کوردی در «دیگه‌له» با حضور شماری از پیشمرگه و اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد.

این مراسم با سرود ملی «ئه‌ی ره‌قیب» و یک دقیقه سکوت به احترام روح مطهر شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

در ادامه مراسم «علی سورانی» مسئول کمپ «دیگه‌له» در پیام نوروزی خود ضمن تبریک این روز

دهمین دوره سیاسی سطح دو بخش اول دستگاه آموزش پایان یافت

در این دوره «دانا راست خدیو، ادریس پیشان، کمال عزیزی» به ترتیب رتبه اول تا سوم را کسب کرده‌اند.

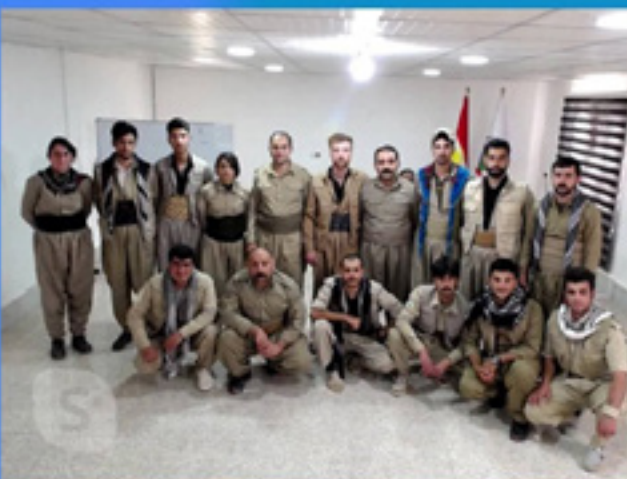
مسئله آموزش و پرورش یکی از موضوعات جدی برای حزب دمکرات می‌باشد و بیشترین اهمیت را به این مسئله داده چرا که حزب دمکرات معتقد است؛ عضو آگاه و هوشیار می‌تواند عاملی برای پیشبرد اهداف و نهایتاً موفقیت حزب دمکرات باشد.

بعد از اعلام پروژه «زاسانی روژه‌ه‌لات» حزب دمکرات درصدد بوده که به نیروی موثر مبدل گردد و در همین راستا نیز مسئله آموزش نیروهای خود را در اولویت قرار داده است.

۱۰مین دوره سیاسی سطح دو بخش اول ویژه پیشمرگان مورخ ۵ اسفند ماه ۱۳۹۹ آغاز و روز ۱۱ فروردین ماه ۱۴۰۰ به اتمام رسید.

در این دوره درس: «اساسنامه حزب دمکرات، تاریخ حزب، سوسیالیسم دمکراتیک، فدرالیسم، دمکراسی، مسئله برابری حقوق زن و مرد، ساختار و سیاست‌های رژیم ایران، فن سخنرانی، سیاست و مواضع حزب، متون و ادبیات کوردی، کار سازمانی و گروهی، شبکه‌های اجتماعی و راسان» برای شرکت کنندگان تدریس شده است.

بخشی از درس به صورت سمینار و بخش دیگر نیز به شکل کلاس درس برگزار شده است.





مرکز همکاری احزاب کردستان ایران: رژیم ایران با امضای توافق ۲۵ ساله با چین چوب حراج به همه‌ی منابع ثروت و سامان ایران انداخت

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران پیرامون قرارداد ۲۵ ساله‌ی رژیم ایران و چین طی بیانیه‌ای این سند همکاری را محکوم کرد.

متن بیانیه این چنین است:
هم‌پیمان گرامی!
ملیت‌های تحت ستم در ایران!

بر اساس اعلام خبرگزاری‌های داخلی و خارجی ۲۷ مارس ۲۰۲۱، برابر ۷ فروردین ۱۴۰۰، قراردادی تحمیلی زیر نام،"سند جامع همکاری" ۲۵ ساله میان

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری چین به امضا وزیران خارجه‌ی دو طرف رسید.

متن نهایی این سند که از سال ۲۰۱۶ میلادی گفتگوها پیرامون آن آغاز شده بود، تاکنون انتشار نیافته و مفاد آن به اطلاع عموم نرسیده است. ولی براساس پیش‌نویس‌هایی که آن سال توسط حاکمیت ایران و پارسال توسط نشریه پترولیوم اکونومیست منتشر شده بود، عموماً" شامل سرمایه‌گذاری‌های چین در صنعت انرژی، ترابری و بندرهای ایران را

شامل می‌شود.

این قرارداد تحمیلی عملاً" چوب حراج به همه‌ی منابع ثروت و سامان ایران انداخته و ایران را به شدت به چین وابسته خواهد کرد. اغراق نخواهد بود، اگرگفته شود: ایران به مستعمره‌ای جدید تبدیل خواهد شد. یا به تعبیری دیگر، ترکمنچای چینی خواهد شد. با ضمانت‌هایی که بصورت بدهی ایران انجام خواهد گرفت، شریان‌های اقتصادی آن را که عملاً" در اختیارحاکمان جمهوری اسلامی که رشوه‌خواران،

رانت‌خواران، دزدان و مافیاهای گوناگونی هستند، هیچ ابایی از تاراج و ارزان فروشی منابع مردمان ایران ندارند و چینی‌ها هم بخش‌هایی مهمی از خاک ایران را در اختیار خواهند گرفت. بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران تنها با هدف نجات نظام استبدادی اسلام سیاسی خود یعنی تداوم حاکمیت انحصاری روحانیت شیعه و ولایت مطلقه فiqه آماده شده است، تا این چنین منابع کشور را به جای استفاده از آن برای رفاه مردمان خود،

دراختیار یک کشور بیگانه و با ایدئولوژی کاملاً" متضاد بگذارد.

مرکزهمکاری احزاب کردستان ایران، ضمن محکوم کردن این قرارداد ننگین که به حراج گذاشتن منابع تمام مردمان ایران است، دگربار تاکید می‌کند که تأمین منابع ملی و امنیت ایران در پاسخگویی به خواست شهروندان خویش، حقوق برابر برای همه ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های آئینی و مذهبی و فراهم کردن بستری مناسب برای همه مردمان

هیئت کنگره ملیت‌های فدرال در سوئد جلسه‌ای مجازی تشکیل دادند

ادامه سخن

هر چند این اقدامات خیلی ساده و سطحی به نظر می‌رسند و ممکن است این طور برداشت شود که حماسه‌ای بزرگ خلق نشده باشد، اما خود این گویای حقیقتی دیگر در جامعه سیاسی و فکری کردستان است.

جامعه کردستان آگاه و هوشیار بوده و با یک حرکت پیشمرگانه و یک روزه دچار حیرت نمی‌شود، بلکه این رژیم اشغالگر است که برآشفته شده و هر چقدر هم دست و پا می‌زند که این واقعیت را پنهان کند، اما تا جلوتر می‌رویم مرداب خیالی خود را پرتلاطم و ناآرام‌تر می‌بیند.

اشغالگر درصدد بوده که وانمود کند راسان فقط چند عمل نظامی مقطعی بوده و بس و با هجوم نظامی و موشکیاران و استفاده از تکنولوژی چینی و روسی، می‌تواند سرکوب کند. اما پیام نوروژی پیشمرگانه امسال، تمامی روایات و داستان‌های دروغنیشان را بی‌معنا کرد. دشمن اشغالگر که چشم دیدن هوشیاری و حق طلبی ملت کرد و عاشقان پرچم پرافتخار کردستان را نداشته، تلنگری بود تا رژیم بفهمد راسان و مبارزه ملت کورد مسئله‌ای نیست مربوط به آنسوی مرزها و با چند اقدام نظامی محدود خاتمه یابد، بلکه حقیقت این است که:

راسان به معنای عشق به میهن و اراده تداوم مبارزاتی ملتی برای رسیدن به خواسته‌هایش است. همچون رهبر فرزانه ملتمان فرمودند: «در هیچ جای تاریخ ثبت نشده ملتیی که حاضر به پرداخت بهای آزادی بوده، دشمن قادر به حذفش بوده باشد». به همین دلیل است که حضور پیشمرگان پرچم بر دوش در میان مردم و تزیین کوه‌های سر به فلک کشیده کردستان با پرچم کوردستان و همچنین ده‌ها اقدام مبتکرانه احتمالی دیگر، فشاری غیر قابل تحمل را بر رژیم وارد کرده و مرداب توهمات رژیم کولونیالیستی را برآشفته کرده و همچون رویاهایشان به کابوس تبدیل می‌نماید.

و سازمان های حقوق بشری از مبارزات بر حق مردم ایران و ملیت های تحت ستم، اقلیت‌های مذهبی

پشتیبانی نمایند.

کنگره ملیت ها ی ایران فدرال ضمن تاکید بر سر نگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران آترا شرط لازم برای رسیدن به حکومتی سکولار وفدرال و دمکراسی در ایران می داند. شرکت ملیت‌ها در قدرت و حاکمیت نه تنها باعث ثبات در ایران می شود بلکه سهم دادن و قدرتمند کردن ملیت‌ها مانعی برای سیاست انحصاری و هژمونی طلب بنام مذهب از طرف دولت‌های حاکم در ایران می شود. آقای سولینگن در پایان هدف از این جلسه را مطلع شدن از وضعیت ملیت های جغرافیای ایران و نیز به طریق اولی ایرانیه منظور استفاده در جلسات در راستای استراتژی آینده حزب در مقابل ایران دانسته و ابراز امیدواری نمودند در وقت مقتضی مورد استفاده قرار گیرد همچنین ایشان بر ادامه چنین جلساتی تاکید نمودند.

نمایندگان کنگره ملیت‌های ایران فدرال
واحد سوئد

دستگیری آنها محروم هستند. فعالان مدنی و سیاسی ترک همچنان در فشار روزمره هستند و تعداد زیادی از این فعالان در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران زیر شکنجه باتکلیف هستند. ۵- اتفاق ناخوشایند تجاوز جنسی به کودکان ترکمن و عدم جوابگویی مقامات منجر به اعتراض مردم خشمگین شد بجای ایجاد امنیت و پاسخگوی به اعتراض نیروهای انتظامی رژیم دست به سرکوب مردم کرده اند و تعدادی را نیز دستگیر کرده اند. ۶- کوید ـ ۱۹ در مناطق ملیت ها به دلیل نبود امکانات گسترش یافته است هم اکنون مناطق ملیت‌ها در بدترین وضعیت ممکن قرار دارند. با این حال که این مناطق از لحاظ منابع طبیعی غنی هستند اما دسترسی مردم به امکانات بهداشتی خیلی کم است. جمهوری اسلامی نه قابل دوام است نه قابل اصلاح. با توجه به هژمونی طلبی رژیم و تروریسم دولتی آن که از ایران به اروپا آفریقا و آمریکا تداوم دارد برای تغییر در ایران و آغاز پروسه دمکراتیک هنیت کنگره ابراز امیدواری کرد که دولتهای اروپایی احزاب سیاسی

و بحث شدند.

۱- ملیت‌ها با این حال که در ایران بیش از نصف جمعیت هستند اما در قدرت سیاسی و اقتصادی هیچگونه سهمی ندارند.

۲- سرکوب ملیت‌ها تحقیر اقلیت‌ها دینی و مذهبی و وضعیت نابسامان معیشتی در مناطق محروم بعلت محدودیت کار برای جوانان و زنان، بیکاری شدید که در برخی شهرها بیش از ۶۰ درصد است.

۳- کشتار سازمان یافته و بی وقفه کولبران و کاسبکاران در کوردستان و بلوچستان ادامه دارد. در بلوچستان کشتار ده‌ها سوختبر در یک گذرگاه مرزی در ماه اسفند منجر به اعتراضات سرتاسری شد که به گزارش سازمان ملل ۲۳ تن از سوختبران و تظاهرکنندگان کشته شدند. صدها تن از تظاهر کنندگان بلوچ دستگیر شده اند. رژیم اعلام کرده است که در دادگاههای نظامی محاکمه می شوند .

۴- تعداد زیادی از زندانیان سیاسی عرب و بلوچ در ماه‌های اخیر اعدام شدند. در کردستان صدها تن از فعالان فرهنگی و مدنی بدون هیچگونه جرمی دستگیر شده اند. خانواده ها از دانستن دلیل



اجتماعی، اقتصادی ولجام گسیختگی حاکمیت در کشتار و سرکوب همه نیرو های دمکراسیخواه نیز همزمان دخالت‌های رژیم در کشورهای همسایه که باعث بی ثباتی و جنگ داخلی در ان کشورها شده است.

عوامل موثر در مشروعیت زدایی از نظام حاکم در بین مردم شده است. در چنین شرایطی رژیم سرکوب و کشتار بویژه در مناطقی همانند اهواز کردستان ، لرستان، بلوچستان ، آذربایجان و ترکمنصحرا را تشدید کرده است. در این جلسه موضوعات زیر مطرح

هیئت کنگره ملیت های ایران فدرال(سوئد) و نماینده مجلس و مسئول روابط خارجی حزب چپ و مسئول دفتر حزب چپ در جلسه‌ای مجازی موضوعات مرتبط به کوردستان و ایران را تشریح کردند

هیئت کنگره ملیت‌های فدرال متشکل از "جمیله حسنخالی" "ناصر بلیدهای"، "سعید عزیزی" و حاج "کریم بگجانی" و همچنین هیئت حزب چپ سوئد متشکل از "هوکان سونیلینگن" و "تیلس برودین" بودند.

این جلسه مجازی بدین شرح بود: بحران‌های عمیق سیاسی،

فشار رژیم ایران به خانواده پیشمرگه‌های کوردستان



اطلاعات سپاه پاسداران رژیم در"دزی مهرگه‌وه" از توابع استان "ورمی" خانواده پیشمرگه‌های کوردستان را تحت فشار قرار داده است. بنا به گزارش‌های رسیده به وبسایت "کوردستان میدیا" در تاریخ ۳ فروردین‌ماه اطلاعات سپاه پاسداران رژیم در "دزی

مهرگه‌وه" با یورش بر خانواده پیشمرگه‌های کوردستان علاوه بر تفتیش خانه و محل کارشان این خانواده‌ها را تهدید به حبس در سیاه چاله‌های رژیم کرده‌اند. در این رابطه طی چند روز گذشته در بیشتر شهرهای کوردستان، خانواده پیشمرگه‌ها احضار و تهدید شده‌اند.

انتشارات ابزاری برای تبلیغات انتخاباتی مهره‌های رژیم است



پای صندوق‌های رای بکشاندن. سران رژیم از اولین انتخاباتی که برگزار کردند تا به امروز تنها چیزی که برایشان مهم بوده و هست کشاندن مردم پای صندوق‌های رای با هدف مشروعیت بخشیدن به آنان بوده و در حقیقت رای مردم هیچ تاثیری در سرنوشت مردم نداشته است.

هفته نامه «محمود محمودی، ناصر خالیدیان، مرتضی حق بیان و توفیق موشیرپناهی» دست داشته بلکه با این کار بتوانند جلوه سرد انتخابات را گرم کرده و به نفع «مختار زارعی» تغییر دهند. هدف این عمل نهاده‌ها و عوامل رژیم این بوده و است تا بلکه مردم کورد را با هر بهانه و ترفندی

پیام کمیسیون اجتماعی به مناسبت ۱۰ فروردین روز شهدای کوردستان



کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۱۰ فروردین روز شهدای کوردستان پیامی را منتشر کرد.

متن پیام این چنین است:

مردم آزادی‌خواه کوردستان!

خانواده گرامی شهیدان!

کادر، پیشمرگه، اعضا، هوادار و خانواده‌های معززا!

امروز این‌جا دور هم جمع شدیم تا از مبارزه و فداکاری و ازخودگذشتگی‌های مجموعه‌ای از فرزندان حزب و ملت‌مان و سرور همه شهیدان "پیشوا" و رئیس‌جمهور و رهبر و همچنین تعدادی دیگر از هم‌زمان یاد کنیم که در این روز و در راه احقاق حقوق ملت‌مان به دست رژیم مرتجع شاهنشاهی ایران، اعدام شدند.

امروز ۱۰ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی هفتادوچهار سال از واقعه تلخ اعدام پیشوای نامدار کورد، قاضی محمد رئیس‌جمهور اولین جمهوری دمکراتیک کوردستان و هم‌زمانش می‌گذرد و این روز که در فرهنگ سیاسی ما به روز شهیدان کوردستان نام‌گذاری شده، یادآور داستان قهرمانی و فداکاری پیشوای گرانقدر کوردها و ده‌ها و هزاران فرزند سرافراز این ملت می‌باشد که با خودگذشتگی و فداکاری دایناموی انقلاب آزادی‌خواهی ملت‌مان و نهایتاً با سخاوت جان شیرین خود را تقدیم کردند تا کوردستان شکوهمند و

زندگی سربلندانه نوه‌های آینده کرد. در این روز بر خود لازم می‌دانیم که بار دیگر درود بفرستیم به روح و روان پیشوای شهید و همه شهدای کورد و کوردستان و پیمان تداوم مبارزه در راه و سنگرشان داده و سر تعظیم در مقابل بزرگواریشان فرود آوریم.

در این روز ضمن ارج نهادن از فداکاری‌های شهیدایمان، جا دارد سلام و درود بفرستیم به خانواده استوار شهیدایمان که همچون سرمایه‌ای عظیم ملی بوده و فارغ از غم و اندوه بسیار نسبت به از دست دادن عزیزانشان و سپری کردن روزهای سخت جدای، همچون کوه‌های سر به فلک کشیده کوردستان استوار و با استقامت همچنان ایستاده‌اند.

دوستان!

هر چقدر از روز شهید شدن شهیدایمان فاصله می‌گیریم، برای ما شکوهمندتر و بزرگوارتر می‌شوند و بیش از پیش بودنشان را حس می‌کنیم. این راز ماندگاری انقلابیون فداکار می‌باشد. با گذار زمان بیشتر بخشنندگی و عشق واقعی‌شان را درک می‌کنیم، آن‌ها با عظم راسخ و اراده‌ای انقلابی در روز مبادا تصمیمی گرفتند که دفاع از موجودیت کورد و کوردستان بود. برای همین است هر وقت از شهیدایمان یاد می‌کنیم، از اعمال و کردار انقلابیشان یاد می‌کنیم، در مورد آزادی‌خواهی

و اخلاق انسانی بحث می‌کنیم، درکی که ما از شهدا داریم، هیچ وقت و حتی با گذشت سال‌ها، کم‌رنگ نخواهد شد. شهدا و میراثی که از خود بجا گذاشتند را نه فراموش بلکه لحظه به لحظه باشکوه در خاطرم‌ان خواهد ماند.

بزرگواران!

شهیدان فداکارانه وظیفه تاریخی خود که همانا ایستادگی در مقابل اشغالگران بود، انجام دادند و جان شیرین خود را فدای آزادی کورد و کوردستان کردند. آزادی احتیاج به فداکاری و بخشنندگی نسلی دارد تا بلکه نسل‌های آینده شهید نداشته باشند و همچون دیگر ملت‌های بختیار، زندگی کنند. امروز که مردم ایران و کوردستان در بدترین شرایط از لحاظ آزادی‌های فردی قرار دارند، زندگی‌ای که هیچ نشانی از رفاه و بختیاری دیده نمی‌شود، مردم ایران با رژیمی روبرو هستند که هیچ احساس مسئولیتی در قبال مردم نداشته و ندارد.

حاکمیتی که برای ماندگاری خود و گسترش عقاید و باورهای قرون وسطائیش، همچون داعش حاضر است همه را قربانی موجودیت خود کند. ناتوانی سران رژیم در کنترل ویروس کرونا و بی‌توجهی به سلامت مردم، نشان از بی‌اعتنای رژیم به امنیت جانی مردم و قربانی کردن آن‌ها است. حاکمیتی که بیش از چهل سال فقط یک زبان بلد و تنها

یک تصویر منحوس را از خود نشان داده است. زبان ظلم و ستم، سرکوب و تصویر مرگ و کشتن و هتک حرمت و بی‌احترامی را از خود نشان داده است. رژیمی که به تنهایی به عنوان محور شرارت شناخته و همچون تهدیدی برای بشریت به حساب می‌آید. نظامی که انسان‌ها را همچون ابزاری قربانی اهداف و برنامه‌های خود کرده، با نگاهی ساده برای همه عیان خواهد شد که رژیم اسلامی ایران چگونه خاورمیانه به ویژه عراق، لبنان، فلسطین را به دریای خون تبدیل کرده، تازه‌ترین رسوایی این رژیم تروریست پرور در بلژیک بود و که این خود دال بر تروریست بودن این رژیم قرون وسطای و جنگ طلب بوده است.

عزیزان!

بر کسی پوشیده نیست که مردم ایران و به ویژه کوردها گرفتار سیستمی دیکتاتور بوده و در وضعیتی اسفبار قرار دارند، از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سلامت و دیگر زمینه‌ها نیز به شکلی است که هر روز بدتر از دیروز بوده، در یک جمله پایه‌های نظام به لرزه درآمده و رژیم نیز به هر در می‌زند تا جلو خیزش مردم به زجه آمده را بگیرد. به همین منظور و برای فریب افکار عمومی چه در داخل و چه در خارج دست به یک سری برنامه‌های فریبکارانه برای انتخابات ریاست جمهوری زده تا

مردم را به هر طریق ممکن به پای صندوق‌های رای‌گیری که خرداد ماه سال جاری برگزار می‌شود، بکشاند. اما آن‌چه برای ما باید اولویت باشد و اساس فعالیت‌های خود را بر آن بنا کنیم این است که، رژیم به هر دری خواهد زد تا غرب را به قناعت برساند و نهایتاً توافق کنند، هیچی از واقعیت جامعه ایران و کوردستان را تغییر نخواهد داد که رژیم هیچ گونه شرعیتی بین مردم نداشته و هر روز شکاف بین حاکمیت و مردم بیشتر شده و به شکلی که مردم تنها به سرنگونی رژیم راضی خواهند شد. لازم می‌باشد که اساس فعالیت‌های همه ما سرنگونی رژیم منحوس باشد.

مردم شرافتمند کوردستان!

یاد شهیدان تداعی کننده این واقعیت است که کوردستان همیشه سنگر آزادی و عدالت خواهی برای رسیدن به زندگی‌ای باشکوه بوده است.

میراث بجای مانده از شهدا که در حقیقت بایستی با افتخار ازش یاد کرد، اندیشه و افکار آزادی‌خواهی و پاک کردن سرزمینمان از اشغالگران بوده که با گذشت زمان، امروز این مسئله به مسائل اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، بهداشت و زمینه‌های دیگر نیز گسترش یافته است.

دستگیری‌های اخیر فعالین مدنی در کوردستان گویای این واقعیت

است که مردم کورد از هر زمان دیگری هشیارتر و آمادتر هستند. برای نیل به اهدافمان بیش از پیش نیاز به همبستگی و همدلی داریم تا بتوانیم به خواسته‌هایمان که همان خواست و آرزوی شهیدان است، برسیم.

با اتحاد و همبستگی خود نیرومندتر از قبل و قادر خواهیم بود به اهداف و آرمان‌های شهدا، ملت کورد برسیم و سرزمینمان را از دست اشغالگران آزاد کنیم. با این کار هم روح شهیدانمان شاد خواهد شد هم خواهیم توانست زندگی شرافتمندانه برای فرزندانمان تامین خواهیم کرد.

در روز ۱۰ فروردین ۱۴۰۰، یعنی روز شهیدان کوردستان، درود می‌فرستیم به روح و روان پیشوا قاضی، قاسملو رهبر و دکتر سعید استاد و همه شهیدان راه آزادی کورد و کوردستان و خانواده‌های صبور و استوار شهیدان و پیمان خواهیم داد تا پیروزی نهایی و رسیدن به اهداف و آرمان‌های شهیدان، رهرو واقعی راه مبارزاتی‌شان باشیم.

درود و سلام به روح پاک شهدای کورد و کوردستان
پیروز باد جریان مبارزاتی ملت کورد به رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران
سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران
حزب دمکرات کوردستان ایران
کمیسیون اجتماعی
۱۰ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی

چرا باید نگران گسترش روابط ایران و چین باشیم؟



مختار

نقشبندی

با گذشت چند روز از امضا سند همکاری ۲۵ ساله میان ایران و چین و واکنش‌های منفی و اعتراضات مردم در دنیای مجازی همچنان ادامه دارد و حتی در بعضی نقاط ایران مردم تجمعات اعتراضی برگزار کردند و اپوزسیون و فعالین سیاسی هم بطور گسترده نسبت به این همکاری‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند، مشخص نبودن جزئیات این قرارداد و سابقه ۴۲ ساله رژیم ایران در خیانت به مردم و به هدر دادن امکانات و ثروت کشور دلیل اصلی نگرانی و ترس مردم است و نگران هستند که همانگونه که رژیم ایران در مواردی از جمله قضیه تقسیم دریای خزر امتیازات زیادی به روسیه داد هم اکنون هم در این شرایط که ایران در جامعه جهانی منزوی شده در قبال حمایت‌های اندک مالی و سیاسی و امنیتی چین امتیازات اقتصادی زیادی به آن کشور بدهد. همانگونه که بیان شد جزئیات این قرار داد مشخص نیست اما گزارشات غیررسمی منتشر شده حاکی از آن است که حجم سرمایه گذاری چین در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار است و ایران هم امتیازات زیادی به چینی‌ها برای استفاده از منابع و امکانات ایران داده است از جمله فروش ارزان نفت به آن کشور و همین گزارشات غیررسمی باعث شده که مردم به این قرارداد و همکاری لقب ترکمان چین بدهند. در این شکی نیست که یک رژیم منزوی مانند ایران نمی‌تواند با قدرت بزرگی مثل چین که تولید ناخالص داخلی‌ش بیش از ۳۵ برابر ایران است توافقی برابر و دو طرفه امضا کند و مسلماً امتیازات

اقتصادی زیادی به چینی‌ها داده است اما در مقابل چه و چرا باید نگران گسترش روابط بین ایران و چین باشیم ؟ برای روشن شدن خطرات گسترش روابط با چین لازم است اهداف و دلایل هر دو طرف برای انعقاد چنین قراردادهای و سندهایی را بررسی کنیم. چین در گسترش روابط با ایران چه اهدافی دارد؟ چین جایگاه مهم و ویژه‌ای در سطح جهان دارد، عضو دائم شورای امنیت و یک قدرت هسته‌ای است که با تولید ناخالص داخلی ۱۴۲۷۹ میلیارد دلار (بانک جهانی) ۱۶ درصد تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده است و با رشد اقتصادی سریع تر از میانگین جهانی روز به روز در حال افزایش قدرتش در تمام زمینه‌ها است و اگر شرایط به همین شیوه ادامه پیدا کند تا قبل از سال ۲۰۳۰ تولید ناخالص داخلی چین از آمریکا هم جلو خواهد زد و هر چند از لحاظ تکنولوژی و نظامی آمریکا بسیار از چین جلوتر است اما به مرور و با رشد سریع تر اقتصادی چین این فاصله هم سال به سال کمتر خواهد شد، آمریکا سال‌هاست تلاش می‌کند که چین را در همان

منطقه جنوب شرق آسیا سرگرم و محدود کند اما تا اکنون موفق نشده است و چین از راه اقتصادی در حال نفوذ به دیگر نقاط جهان از جمله آفریقا است، خاورمیانه که از منابع اصلی تامین انرژی جهان است یکی از نقاط مهم برای همه قدرت‌ها و به خصوص چین است، یکی از مشکلات اصلی اقتصاد در حال رشد چین مسئله تامین انرژی است به همین دلیل چین نیازمند است تلاش کند که با تمام کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز ارتباط گسترده و پایداری داشته باشد، چین سال‌هاست که آهسته آهسته در حال افزایش

اقتصادی در ایران شرکت نکردند و حتی خرید نفت ایران را هم بشدت کاهش دادند اما در بلندمدت اگر تحریم‌های آمریکا لغو شود یا کاهش یابد با درنظر گرفتن حجم این همکاری‌ها که حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود چین نفع زیادی خواهد کرد و از حضور گسترده در ایران به عنوان یک فرصت بزرگ برای تسلط بر خاورمیانه استفاده خواهد کرد البته این هم بستگی به چندین فاکتور دارد و به این سادگی‌های امکان پذیر نیست، از لحاظ امنیتی و نظامی هر چند که چین فعلاً حضور پررنگی

اقتصادی در ایران شرکت نکردند و حتی خرید نفت ایران را هم بشدت کاهش دادند اما در بلندمدت اگر تحریم‌های آمریکا لغو شود یا کاهش یابد با درنظر گرفتن حجم این همکاری‌ها که حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود چین نفع زیادی خواهد کرد و از حضور گسترده در ایران به عنوان یک فرصت بزرگ برای تسلط بر خاورمیانه استفاده خواهد کرد البته این هم بستگی به چندین فاکتور دارد و به این سادگی‌های امکان پذیر نیست، از لحاظ امنیتی و نظامی هر چند که چین فعلاً حضور پررنگی

اقتصادی در ایران شرکت نکردند و حتی خرید نفت ایران را هم بشدت کاهش دادند اما در بلندمدت اگر تحریم‌های آمریکا لغو شود یا کاهش یابد با درنظر گرفتن حجم این همکاری‌ها که حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود چین نفع زیادی خواهد کرد و از حضور گسترده در ایران به عنوان یک فرصت بزرگ برای تسلط بر خاورمیانه استفاده خواهد کرد البته این هم بستگی به چندین فاکتور دارد و به این سادگی‌های امکان پذیر نیست، از لحاظ امنیتی و نظامی هر چند که چین فعلاً حضور پررنگی

اقتصادی در ایران شرکت نکردند و حتی خرید نفت ایران را هم بشدت کاهش دادند اما در بلندمدت اگر تحریم‌های آمریکا لغو شود یا کاهش یابد با درنظر گرفتن حجم این همکاری‌ها که حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود چین نفع زیادی خواهد کرد و از حضور گسترده در ایران به عنوان یک فرصت بزرگ برای تسلط بر خاورمیانه استفاده خواهد کرد البته این هم بستگی به چندین فاکتور دارد و به این سادگی‌های امکان پذیر نیست، از لحاظ امنیتی و نظامی هر چند که چین فعلاً حضور پررنگی

رژیم ایران در باتلاقی که خود ساخته گرفتار شده است و توانایی بیرون آمدن از این باتلاق را هم ندارد و متأسفانه به جای اینکه دست دوستی و همکاری به طرف جامعه جهانی به ویژه کشورهای منطقه دراز کند و کشور را از این باتلاق بیرون بیاورد قصد دارد با امتیازدهی گسترده به چین که در افکار عمومی به فروش ایران تعبیر می‌شود بتواند به حیاتش ادامه دهد و سیاست‌های شکست خورده چند دهه گذشته را ادامه دهد.

نیست بلکه لازم و ضروری هم است اما چگونگی این رابطه مهم است برای نمونه عربستان و امارات ضمن حفظ روابط گسترده با غرب در بعضی زمینه‌ها از شرکت‌های چینی استفاده می‌کنند و در عمل نه راه دشمنی با غرب در پیش گرفته‌اند و نه راه سرسپردگی به روسیه و چین، مشکل روابط ایران و چین این است که رژیم ایران برای ادامه حیات خود چوب حراج به کشور زده است، رژیم ایران در ۴۲ سال گذشته آنقدر مشغول دشمنی با غرب به ویژه آمریکا بوده که عملاً بازچه دست روسیه و چین شده است، اپوزسیون باید قاطعانه با سیاست‌های رژیم ایران مخالفت کند چون این مسیری که رژیم ایران در پیش گرفته است جز عقب‌ماندگی و ویرانی بیشتر چیزی برای مردمان ایران نخواهد داشت. همیشه تأکید کرده‌ایم که اپوزسیون تنها وقتی می‌تواند بر مسائل تأثیرگذاری مهم داشته باشد که متحد باشیم و اتحاد تنها با احترام به حقوق همه ملیت‌ها در ایران و اقلیت‌های مذهبی و همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌ها امکان پذیر است. تا دیرتر نشده باید متحد شویم.

کنند؟ در زمینه سیاسی هم این سند همکاری و قراردادهای تأثیر مهمی در وضعیت ایران نخواهد داشت، چین در چند سال گذشته در مقابل امتیازات اقتصادی از ایران حمایت کرده است اما این حمایت‌ها اندک بوده و تأثیری در شرایط و وضعیت ایران نداشته است و اکنون چین در زمینه برنامه هسته‌ای ایران با آمریکا هم‌نظر است و در زمینه جنگ‌های نیابتی ایران در منطقه هم حمایت زیادی از ایران نخواهد کرد چون چین روابط گسترده اقتصادی با عربستان و امارات دارد، در زمینه امنیتی و نظامی هم رژیم ایران نمی‌تواند بر روی کمک چین زیاد حساب باز کند، چین از مداخله مستقیم در جنگ احتمالی میان آمریکا و هم‌پیمان‌هایش با ایران چه بر سر برنامه هسته‌ای و چه بر سر مسائل منطقه‌ای خودداری خواهد کرد و نهایتاً در صورت ادامه جنگ نیروهای چینی در سواحل ایران پیاده خواهند شد تا از تصرف ایران جلوگیری کنند و یا در صورت اعتراضات گسترده و به خطر افتادن رژیم اسلامی ایران نیروهای چینی به بهانه حفاظت از شرکت‌ها و منافع‌شان در ایران نیرو

وابسته به ایران اجازه ادامه حضور نظامی در سوریه را نخواهد داد و ایران از نظر سیاسی و اقتصادی هم توانایی ایفای نقش موثر و حضور پررنگ در آینده سوریه را ندارد، در عراق و یمن هم علی‌رغم هزینه‌های زیاد هنوز نتوانسته است حضورش را تثبیت کند، وضع پرونده هسته‌ای ایران هم که کاملاً مشخص و واضح است که به جز ده‌ها میلیارد دلار هزینه مستقیم و صد‌ها میلیارد دلار هزینه غیرمستقیم دستاوردی برای ایران و رژیم ایران نداشته است، رژیم ایران در تمام زمینه‌ها با مشکلات بزرگ مواجه شده است و در یک کلمه رژیم ایران در باتلاقی که خود ساخته گرفتار شده است و توانایی بیرون آمدن از این باتلاق را هم ندارد و متأسفانه به جای اینکه دست دوستی و همکاری به طرف جامعه جهانی به ویژه کشورهای منطقه دراز کند و کشور را از این باتلاق بیرون بیاورد قصد دارد با امتیازدهی گسترده به چین که در افکار عمومی به فروش ایران تعبیر می‌شود بتواند به حیاتش ادامه دهد و سیاست‌های شکست خورده چند دهه گذشته را ادامه دهد. در زمینه اقتصادی این

در خاورمیانه ندارد اما در سایه همکاری‌های گسترده ۲۵ ساله نیروهای چینی می‌توانند به بهانه حفاظت از شرکت‌ها و منافع شان در منطقه حضور پیدا کنند. از لحاظ سیاسی هم این یک کارت مهم در دست چینی‌ها است تا در روابط با آمریکا و اروپایی‌ها از آن استفاده کنند. به دلایل زیادی شاید چین نتواند این سند همکاری را کامل اجرا کنند اما در هر حالتی زمینه حضور بیشتر چین در ایران و خاورمیانه را فراهم می‌کند و این برای کشور چین یک برد محسوب می‌شود. ایران در گسترش روابط با چین چه اهدافی دارد؟ ایران با تولید ناخالص داخلی کمتر از نیم درصد تولید ناخالص جهانی سال‌هاست با حمایت از گروه‌های تروریستی و جنگ‌های نیابتی تلاش می‌کند در قدم اول بر خاورمیانه تسلط یابد و سپس بر همه جهان؛ در واقع رژیم ایدئولوژیک ایران بدون درنظر گرفتن شرایط و امکانات ایران در مسیری قدم برداشته که نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت و انزوا برای مردمان ایران نداشته است، رژیم ایران که با شعار نه شرقی و نه غربی قصد داشت پشتیبان

حضورش در خاورمیانه است و هم اکنون با چند کشور مهم خاورمیانه از جمله دو اقتصاد مهم منطقه یعنی عربستان و امارات روابط رو به رشد اقتصادی دارد، چین به دنبال حضور بیشتر در منطقه است، هر چند که چندین دهه است ایران و چین در تلاش برای گسترش روابط هستند اما به دلیل تحریم‌های جهانی و این چند سال هم به دلیل تحریم‌های آمریکا عملاً امکان گسترش روابط اقتصادی وجود نداشته است اما در زمینه‌های سیاسی و تا حدودی هم امنیتی دو کشور بهم نزدیک شده‌اند و چین در قبال امتیازات اقتصادی از ایران حمایت‌های سیاسی محدودی هم انجام داده است. اما اکنون چین چه اهدافی در گسترش روابط با ایران دارد؟ امضا سند همکاری ۲۵ ساله با ایران را می‌توان از چند جهت سیاسی و اقتصادی و امنیتی و نظامی بررسی کرد، از لحاظ اقتصادی حداقل در کوتاه مدت به دلیل تحریم‌های آمریکا چین نمی‌تواند هیچ پروژه بزرگ اقتصادی را در ایران اجرا کند همانگونه که در چند سال گذشته شرکت‌های چینی در هیچ پروژه

تشکیل سامانه از نگاه فوکو در بستر اندیشه‌ی آگامبن و فضای مجازی

کوردستان

نقدهای

آیا گسترش فضای مجازی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی به معنای آن است که با مفهوم قدرت در معنای فوکویی آن و شکل‌گیری «زیست سیاست» و نوع جدیدی از قدرت در فضای سیاسی جامعه خود روبرو هستیم؟ در ادامه، با شرح اندیشه فوکو و آگامبن در خصوص مفهوم «زیست - سیاست»، استدلال خواهیم کرد که بنا به نظریه‌ی فوکو در خصوص امکان پیوند میان «زندگی» و «سیاست» در عصر زیست سیاست، گسترش فضای مجازی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی منجر به شکل‌گیری زیست سیاست نمی‌شود، که اصولاً زیست سیاست در نگاه فوکو چیزی از جنس شکل‌گیری «سامانه‌ها» (Dispositive)

و ترکیب نهایی آن‌ها در انتزاعی به نام «دولت» است که توسط تکنیک‌هایی چون «تکرار» ممکن می‌شود. با این حال، در چارچوب آنچه آگامبن در خصوص پیوند میان «مرگ» و «سیاست» در قلمرو زیست سیاست مطرح می‌سازد، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بواسطه‌ی توان آن‌ها در انتقال سریع اطلاعات در جامعه و به بیان آوردن صدای افراد یا گروه‌ها یا نهادهای مطرود و فراموش‌شده‌ی جامعه می‌توانند مانع از شکل‌گیری «وضعیت استثنایی» و «حیات برهنه» یا همان پیوند میان مرگ و سیاست در قالب خلق «هوموساکرها» در جامعه شوند.

فوکو خود را «تبارشناس سوژه‌ی مدرن» می‌داند و پروژ‌ی فکری خود را «تبارشناسی سوژه‌ی مدرن» می‌نامید: «من در پی تولید تاریخی از شیوه‌های متفاوت سوژه شدن انسان در فرهنگ مان بودم ... در مجموع هدف پروژ‌ی من برساختن یک تبارشناسی سوژه است». ما همگی «فردیم»، اما جامعه می‌خواهد ما را تبدیل به «سوژه» کند و به ما «هویت اجتماعی» اعطا کند.

فوکو نخست فرآیندهای سوژه شدن انسان را در سه حوزه متفاوت انجام می‌دهد و بعد آن را در کل جامعه و در نسبت با مساله «جمعیت» تحلیل می‌کند. او در ابتدا فرآیند سوژه شدن انسان را در سه قلمرو متفاوت:

الف) علوم مدرن شامل اقتصاد، زبانشناسی و زیست‌شناسی
ب) نهادهای مدرن شامل نهاد زندان، بیمارستان، تیمارستان
ج) خود - بیانگری مدرن در تاریخ خودگویی جنسی در عصر ویکتوریا به بعد، دنبال می‌کند. فوکو نشان می‌دهد که چگونه

در علوم و نهادهای مدرن و حتی خودگویی‌های انسان مدرن سوژه‌هایی همچون انسان کارکن (در علم اقتصاد)، انسان ناطق (در علم زیانشناسی)، انسان زنده (در علم زیست‌شناسی)، انسان مجرم (در نهاد زندان)، انسان بیمار (در نهاد بیمارستان)، انسان دیوانه (در نهاد تیمارستان) و انسان جنسی (در خودگویی‌ها و اعترافات) ساخته می‌شوند. هدف فوکو از انجام این تحقیقات چیست؟ فوکو به ما نشان می‌دهد که چگونه فرآیند «تولید» به جای «سرکوب» تبدیل به فرآیند اصلی حیات ما شده است. ما در زندگی خود دیگر کمتر دست به نابودی و سرکوب می‌زنیم. ما دائماً «تولید» می‌کنیم و حتی سرکوب را نیز از طریق تولید ممکن می‌سازیم. ما به طور دایم و مستمر به تولید سوژه‌ها، به تولید دانش، به تولید غریزه، و به تولید حقیقت مشغول هستیم. البته، شرط تولید تکنیک «تکرار» است. پدیده‌ها با یکبار گفتن خلق نمی‌شوند. باید دائماً به «تکرار» سخن گفتن درباره پدیده‌ای پردازیم تا آن‌را به مثابه سوژه‌ای در زبان خود خلق کنیم. نکته دیگر آنکه تولید یک سوژه محدود به تولید آن در «گفتن» یا «زبان» باقی نمی‌ماند. همزمان با تولید سوژه در گفتن، مناسک و کردارهایی نیز حول آن شکل می‌گیرند و در نهایت پس از خلق گفتن و مناسک، «نهاد» تولید می‌شود. فوکو نتیجه‌ی حاصل از ترکیب «گفتن»، «مناسک» و «نهاد» را یک «سامانه» می‌نامد.

نظریه‌ی سامانه و روش تحلیل سامانه از مهمترین دستاوردهای فکری میشل فوکو است که پس از وی توسط متفکرانی همچون ژیل دلوز فرانسوی و زیگفرید یاگر آلمانی بسط و توسعه یافته است. فوکو در پژوهشهای

نخستین خود معتقد بود ما با استفاده از زبان به خلق زبانی جامعه می‌پردازیم. او معتقد بود گفتن‌ها عامل اصلی خلق دانش ما از جامعه هستند. ما جامعه را در واقع همان دانش به جامعه که از خود جامعه واقعی تر است را از طریق کنش متقابل زبانی خلق می‌نماییم. با این حال، او معتقد بود که اگر این خلق زبانی به صورت منظم و سیستماتیک انجام نگردد و ابژه‌های گفتن‌ها به صورت منظم تولید نشوند گفتن‌ها بوجود نمی‌آیند. ازاینرو، فوکو عنصر قدرت یا همان «تولید منظم و سیستماتیک دانش» از طریق «تکرار» (تکرار مهمترین تکنیک خرد قدرت است)، را عنصر همیشگی همبسته با دانش می‌داند که آن‌را خلق می‌کند. طبق نظریه‌ی فوکو، دانش یعنی ساختن ابژه‌ها، از طریق کنش متقابل، ترکیبی از دو جزء است:

۱- گفتن
۲- ابژه‌ها
اگر گفتن دارای ابژه است این ابژه، ابژه گفتن‌ها است که شباهتی به ابژه‌ی قابل مشاهده ندارد. ابژه‌ی گفتن‌ها ابژه‌ی فیزیکی نیست، زیرا ابژه‌های گفتن‌ها گفتن‌ها قابل تقلیل به یکدیگرند. گفتن‌ها ابژه خود را می‌سازد. فوکو قدرت را «نظم بخشیدن به ابژه‌ها از طریق کنش متقابل»، تعریف می‌کند. در دانش با خلق ابژه‌ها روبرو هستیم. قدرت، اما، ابژه‌ها را نظم می‌بخشد. این کار از طریق تکرار منظم و سیستماتیک خلق دانش ممکن می‌شود. قدرت چیزی جز همان توان تکرار یک دانش در جاهای متفاوت نیست. اگر تکرار یک دانش ممکن نشود آن دانش می‌میرد و از بین می‌رود. قدرت همان نیرو یا توان تکرار چندباره‌ی یک دانش است. قدرتی که در پیوند با دانش است قدرتی نیست

که بتوان آن‌را یک کنش اعمال شده بر ابژه‌ها یا چیزها دانست. قدرت گفتن‌ها کنشی است که بر کنش اعمال می‌شود. قدرت در اینجا نظامی از نیرو است که بر نظامی از روابط اعمال می‌شود. فوکو این قدرت را «دیاگرام» یعنی طرح و نمودار، و یا شکل و راهنما می‌نامد. با این حال، فوکو معتقد بود یک دانش/قدرت تنها زمانی می‌تواند به خوبی در جامعه عمل نماید که مجموعه‌ای از «کردارها یا مناسک» و «مادی شدن‌ها یا نهادسازی‌ها» را با خود همراه سازد. فوکو ترکیب سه عنصر ناهمگن دانش، کردار و مادی شدن را «سامانه» می‌نامد. بنابراین، سامانه، تنظیم رفتار از طریق کاربرد عینی یک دیاگرام قدرت است. سامانه ترکیبی از روابط دانش و روابط قدرت است. سامانه ترکیبی از واژگان و چیزها (ابژه‌ها) به همراه یک نیت استراتژیک است. این نیت البته فردی نیست. سامانه شبکه‌ای از گفتن‌ها و چیزها است که خود تجلی عینی یک دیاگرام قدرت برای نظم بخشیدن به یک میدان اجتماعی خاص‌اند. سامانه ترکیبی از پراکسیس‌های گفتن‌ها، پراکسیس‌های غیر گفتن‌ها و مادی شدن‌هاست. سامانه گونه‌ای صورتبندی است که از کارکرد خاص خود در یک لحظه‌ی تاریخی مشخص برخوردار است و می‌خواهد به یک نیاز فوری یا اورژانسی پاسخ گوید. سامانه تنها شامل عناصر زبانی نیست، بلکه عناصر غیر زبانی دارد. این همان چیزی است که تحلیل سامانه را از تحلیل گفتن متمایز می‌سازد. فوکو در تعریف سامانه می‌گوید:

سامانه شامل گفتن‌ها، نهادها، ساختارهای معماری، تصمیمات تجویزی، قوانین، اقدامات اجرایی - اداری، گزاره‌های علمی، قضایای فلسفی و اخلاقی و به طور خلاصه



گفته‌ها به اضاف‌ی ناگفته‌ها یا کلمات و آنچه بوسیله کلمات بیان نمی‌شود است. سامانه یعنی ترکیبی از دنیای زبانی و چیزها. فوکو از گفتن‌ها برای اشاره به زبان، متن، نوشتار و نوشتن استفاده می‌کند و آن‌را در مقابل عناصر غیر گفتن‌ها از قبیل نهادها، معماری، اقدامات اجرایی و قوانین قرار می‌دهد تا مثال خود برای عناصر ناهمگن سامانه را بیان کند. به اعتقاد فوکو گفتن‌ها و اپیستم‌های زبان بنیاد هستند، اما سامانه به معنای فراتر رفتن از زبان است. او حتی در مورد خود تحلیل گفتن‌ها معتقد بود که تحلیل گفتن‌ها باید از تحلیل زبان فراتر رود. او باور داشت با گفتن‌ها نباید تنها به عنوان گروهی از نشانه‌ها برخورد کرد که به بیان چیزی یا یک بازنمایی می‌پردازند. برعکس، از نگاه فوکو، گفتن‌ها پراکسیس‌هایی هستند که به طور منظم ابژه‌هایی که از آن‌ها سخن می‌گویند را شکل می‌دهند و خلق می‌کنند. البته، گفتن‌ها ترکیبی از نشانه‌ها هستند، اما آنچه آن‌ها انجام می‌دهند چیزی بیشتر از استفاده از نشانه‌ها برای نامیدن یا نشان دادن چیزهاست. همین «چیزی بیش از» باعث می‌شود که گفتن‌ها را به زبان یا سخن تقلیل ندهیم. ما باید این «بیشتر بودن از زبان» را توصیف کنیم. کردارها به انتقال شناخت نمی‌پردازند، زیرا شناخت پیش نیاز انجام کردار است. کردارها در واقع همراهان دانش‌اند. سامانه یعنی نقشه به همراه مجموعه‌ای از ابزارها. فوکو در پژوهش‌های خود هم به توصیف سامانه‌ها و پیامدهای اجتماعی آن‌ها می‌پردازد و هم نشان می‌دهد چه عواملی محتوای این سامانه‌ها و خلق آن‌ها را توضیح می‌دهند. شیوه‌ی کار او، البته، حرکت به سمت عقب و جستجوی عوامل پراکنده تاثیرگذار بر خلق

سامانه‌ها در تاریخ است. فوکو در ادام‌ی پروژ‌ی فکری خود مفهوم «زیست سیاست» یا «حکومت مندی» را برای بیان شیوه‌ی شکل‌گیری سامانه‌ها در کل گستره‌ی جامعه به کار می‌گیرد. او می‌خواهد نشان دهد که چگونه پیوند گفتن، مناسک و نهادها و شکل‌گیری سامانه‌ها در بخش‌های متفاوت جامعه ممکن می‌شود و ما با شکل‌گیری مجموعه‌ی متنوعی از سامانه‌ها در گستره‌ی جامعه روبرو هستیم و در نهایت مجموع این سامانه‌ها پیوند میان زندگی و سیاست یا «حکومت» را در جامعه ممکن می‌سازند.

آن مفهومی که فوکو برای نشان دادن شکل‌گیری سامانه‌ها از آن کمک می‌گیرد و آن‌را محور پیوند میان زندگی و سیاست می‌داند مفهوم «جمعیت» است. فوکو در مقاله حکومت «حکومت مندی» می‌نویسد:

”پیش از این ... کوشیدم ببینم که چگونه مسائل خاص جمعیت ظاهر شدند“.

او در ابتدای این مقاله، چگونگی شکل‌گیری مفهوم زیست سیاست را در اندیشه‌ی سیاسی غرب و تحولات آن جستجو می‌کند، اما مهمترین عامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری زیست سیاست و برداشتن موانع در مقابل هنر حکومت مندی را مساله «افزایش جمعیت» می‌داند:

”برداشتن مانع از سر راه هنر حکومت کردن مرتبط است با ظهور مسئله‌ی جمعیت“.

فوکو از خود می‌پرسد «جمعیت چگونه توانست موانع را از سر راه هنر حکومت کردن بردارد؟» به باور فوکو، با افزایش جمعیت و آشکار شدن مسائل جمعیت همچون میزان نیاز آن‌ها به غذا، مسکن، شمار مرده‌ها، شمار بیمارها، میزان ثروت جمعیت، و ... اهمیت یافتن علم آمار و آمارهای مربوط به جمعیت، روشن شد که جمعیت قاعده‌مندی‌های خاص خود را دارد. از اینرو، جمعیت از آن‌پس به جای آنکه به عنوان «توان حاکم» ظاهر شود، هدف و ابزار حکومت شد. جمعیت چیزی شد که حکومت باید آن‌را در ملاحظات و دانش‌اش در نظر گیرد تا بتواند به شیوه‌ای عقلانی و سنجیده و موثر حکومت کند. برساختن دانش از حکومت کاملاً مرتبط است با برساختن دانش از جمعیت. بنابراین، ساختن دانش از جمعیت و توسط جمعیت و در ظاهر برای جمعیت در کانون سیاست در عصر مدرن قرار گرفت. جمعیت، اما، پدیده‌ی یک دستی نیست. ما با جمعیت‌ها روبرو هستیم. مثلاً:

جمعیت دانش‌آموزان، جمعیت زنان خانه‌دار، جمعیت کارگران، جمعیت کودکان مهد کودک، جمعیت ورزشکاران و ...



سندوس

در جامعه‌شناسی فرهنگ سه رویکرد وجود دارد:

- کلاسیک‌ها. کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر
- نئوکلاسیک‌ها. پیتربرگر و لاکمن
- پساساختارگراها. میشل فوکو، مری داگلاس و هابرماس

دسته‌بندی اول و دوم گرفتار «معنا» هستند، اما گروه سوم بیشتر مسئله‌ی «ارتباط» برایشان مهم است. **رویکرد اول:** مسئله‌ی اصلی دورکیم، وبر و مارکس در مطالعات فرهنگی، شکاف بین عین و ذهن است، یعنی همان شکاف دکارتی که می‌گفت جهان بیرون است و ما با جهان فاصله داریم و ما باید از طریق ذهن به طرف جهان حرکت کنیم، تا از آن ما شوند. یعنی توان اندیشیدن انسان می‌رود به‌سوی جهان و آن را به درون ذهن خود می‌آورد.

دورکیم، وبر و مارکس مسئله‌شان این بود و می‌گفتند جامعه

محصول دست انسان است، اما اکنون جلو ما ایستاده است.

دورکیم می‌گفت: «جبری، ساختاری و بیرونی است.» مارکس می‌گفت: «از خود بیگانه شده‌ایم.»

ماکس وبر می‌گفت: «عقلانی و افسون زدا شده‌ایم و جامعه در مقابل ما به شکل یک قفس آهنین افسون‌زدا شده و ایستاده است.»

بحث اصلی این سه اندیشمند این است که چگونه می‌شود این جامعه را به انسان برگردانید. راحل هر سه اندیشمند این است که جامعه باید خودش را تبدیل به یک چیزی از جنس ذهن بکند، چون اقتصاد، ماشین، معماری، ساختمان و ... پدیده‌های سختی در مقابل ما هستند که باید به ذهن برگردانیده شوند. از نظر آنها بهترین راه این است که اینها تبدیل به تکست یا متن شوند و در سطح مفهوم و نماد قرار گیرند و تبدیل به زبان شوند، جامعه وقتی زبانی شد، می‌توان آنرا به ذهن برگردانید.

دورکیم می‌گوید: تمام جامعه‌شناسی من جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است، به این معنا که جامعه چگونه می‌آید به درون انسان تا انسان را بکشد، و این دغدغه‌ی دورکیم

بوده که جامعه باید انسان را بکشد، تا اجتماعی خلق شود. از این منظر می‌توان گفت که بزرگترین فاشیست تاریخ خود جامعه می‌باشد و تنها چیزی که انسان را نابود می‌کند، زندگی اجتماعی است. این است که از نگاه دورکیم فرهنگ باعث می‌شود که جامعه بیاید به درون ما و ما هم جامعه‌پذیر می‌شویم و شکاف عین و ذهن پر می‌شود. اما مشکل نه اینکه حل نمی‌شود بلکه مضاعف می‌گردد، چون ما تا حالا با ساختارهای اجتماعی بیگانه بودیم، بعد از این فرهنگ هم در مقابل انسان قرار می‌گیرد و انسان با ساختارهای فرهنگی هم بیگانه می‌باشد که شامل ارزش‌ها، باورهای دینی و مذهبی، موسیقی، هنر و ... همه در مقابل انسان ایستاده‌اند. اینجا مسئله‌ی دورکیم، وبر و مارکس مسئله‌ی معناست، یعنی انسان باید این پدیده‌ها را به درون خود بیاورد تا دارای معنا گردند و خود او هم جامعه‌پذیر شود.

رویکرد دوم:

پیتربرگر و لاکمن بر این باور بودند که بحث کلاسیک‌ها اساسا غلط بوده و باور داشتند که جامعه اینجا و در عین نیست، بلکه در زبان و کنش و تعاملات ما خلق می‌شود، پس مسئله این نیست

که اینها را معنادار کرده و با آوردنشان به درون از طریق زبان مشکل را حل کنیم. ما اصولا در درون نظام‌های معنایی هستیم و با زندگی کردن در درون نظام‌های معنایی و با توان زبانی جامعه را می‌سازیم. مسئله‌ی ما شکاف عین و ذهن نیست، بلکه شکاف جزء و کل است و بر این باور بودند هم جزء زندگی فاقد معناست و هم کل آن.

مثلا وقتی با مرگ دوستان مواجه می‌شویم، تا دیروز بوده اما امروز دیگر وجود ندارد، از خود سؤال می‌کنیم کجا رفت؟ پس از نظر پیتربرگر و لاکمن، هم کلیت زندگی و هم جزء آن فاقد معناست و در واقع می‌خواهند بگویند که ما از طرق زبان، کنش و تعاملات اجتماعی داریم و خودمان را معنادار می‌کنیم، تا بتوانیم این زندگی را — هم جزء و هم کل آن را — دوام بیاوریم و زندگی کنیم.

اینجا معلوم می‌شود که نئوکلاسیک ها هم درگیر معنا هستند و هدفشان معنادار کردن زندگی می‌باشد.

رویکرد سوم:

اما رویکرد دیگری داریم که از مسئله‌ی معنا گذر کرده و برای آنها معنا دیگر مسئله نیست، بلکه «چه» گفتن و «چگونه»

گفتن مسئله است، «چه» گفتن باز معنا تولید می‌کند، اما «چگونه» گفتن تولید «ساختار» می‌نماید، یعنی از نظر آنها مسئله «محتوا» نیست، بلکه «فرم» است. بحث بر سر این نیست که «چه» می‌گوییم، بحث بر سر این است «چگونه» می‌گوییم.

اینجا کسانی مثل میشل فوکو، مری داگلاس، هابرماس و الکساندر جفری و ... عرض اندام می‌کنند و نظر بر این است که در گذشته که می‌گفتند چه چیزی را منتقل می‌کنیم، اکنون باید بگوییم چگونه و از چه طریقی منتقل می‌کنیم، اسم این شیوه و چگونگی انتقال را گذاشتند «ارتباط»، ساختارگراها و پاساختارگراها نظرشان این است که مسئله‌ی فرهنگ نه شکاف عین و ذهن است و نه شکاف جزء و کل، بلکه مسئله، مسئله‌ی ارتباط است. یعنی ما از طریق همین ساختارهای زبانی و چگونه سخن گفتن‌ها و فرم ها با جهان ارتباط برقرار می‌کنیم.

نکته‌ی اول:

حدودی که اینها ممکن می‌کنند تا کجاست؟ و چه بستری را برای ارتباط برقرار کردن با جامعه فراهم می‌کنند.

به دوگانه‌های زیر توجه کنید:

جامعه‌شناسی فرهنگ و ریشه‌های آن

خودی/ غیر خودی

با حجاب/ بی حجاب

مسلمان/ غیر مسلمان و ...

مهم این نیست که با این دوگانه‌ها چه می‌گویند، بلکه مهم این است که این تقابل‌های دوگانه چه‌کار می‌کنند!!! تاریخ فرهنگی جدید، بحث بر سر حدود تفکری است که در جامعه ممکن می‌شود. این موارد در نمادها، نشانه‌ها، استعاره‌ها، روایت‌ها، گفتمان ها خودشان را نشان می‌دهند. اینجاست که باید در مورد ساختارها فکر کنیم و ارتباط مسئله می‌شود و باعث می‌شوند که ما تا کجای جهان را ببینیم. مثلا وقتی فردی، دسته‌ای یا گروهی می‌گیرند: آدم باحجاب/ بی حجاب، دیگر نفر سومی را نمی‌بینند، حالا ممکن است یک دختر بی حجاب وجود داشته باشد و خیلی هم پاک و معصوم باشد.

نکته‌ی دوم:

ساختارها ما را توی زندان حصر می‌کنند، اینجاست که معلوم می‌شود که حدود فرهنگی جمهوری اسلامی، حصر و زندان می‌سازد و اجازه‌ی فکر کردن، شاد بودن، متفکر شدن و انسان بودن را نمی‌دهد. در واقع در درون این ساختارها ما زائدی بیش نیستیم.

ادامه صفحه ۶

بنابراین، جمعیت ها باید بتوانند خود درباره خود به تولید دانش بپردازند و سامانه خاص خود که مرکب از گفتمان یا گفتمان ها درباره‌ی خود، کردارها و مناسک خاص خود و نهاد خاص خود است را بسازند. فوکو در اینجا به ما نشان می دهد که چگونه جمعیت های متفاوت در جامعه برای مدیریت مسائل خاص خود یا به طور کلی مدیریت زندگی خود به تولید دانش، سوژه، مناسک، قوانین، مقررات، ارزش‌ها، هنجارها، ... می پردازند و از این طریق با «ساختن خود در زبان یا گفتمان» خود را بر خود، دیگران و در نهایت دولت آشکار می سازند و از این طریق به شکل‌گیری یک «نظم» یا «نظم بخشی» در حول خود می پردازند.

فوکو، برخلاف آگامبن که بعد از این از او سخن خواهیم گفت، معتقد است حق قدیمی حاکمان در سرکوب و شکنجه دادن و سرکوب و شلاق زدن و به داربستن و به دار آویختن جمعیت، جایش را به زنده نگه‌داشتن جمعیت و ساختن و شناختن ویژگی های جمعیت در دانش و زبان و در نهایت کنترل جمعیت بر پایه‌ی این دانش داده است. سرکوب و کشتن اگرچه کاملا حذف نشده است، دیگر سازوکار اصلی قدرت نیست؛ برعکس، «تولید» (تولید سوژه، تولید دانش و ...) فرآیند اصلی سیاست است. برای دیدن سیاست دیگر نباید به میدان اعدام رفت یا پلیس و کلانتری را نماد قدرت دانست. قدرت هم دیگر برای به رخ کشیدن خود نیازی به راه انداختن میدان اعدام و شلاق و

زیست سیاست و نظریه رسانه‌ها دانست. آگامبن، به تبع اشمیت، حاکمیت را در پیوند با «وضعیت استثنایی»، مفهوم سازی می کند و شخص حاکم را شخصی می داند که به ما می گوید چه زمان با وضعیت استثنایی روبرو هستیم. به باور آگامبن، اگرچه سیاست وظیفه‌ی جای دادن حیات طبیعی ما در درون خود را بر عهده دارد و برای انجام اینکار سازوکارهایی همچون تفکیک قوا و دموکراسی را طراحی کرده است، حاکمیت در دوره‌های زمانی یا تاریخی خاصی تمامی این سازوکارها را تعلیق می کند و با اعلام وضعیت استثنایی و تعلیق قانون، اتباع خود را با خطر خشونت قانون روبرو می سازد. قانونی که اعمال می شود اما حمایت نمی کند. ذیل قانون هستیم و نمی توانیم از چنگال حاکم و حاکمیت بیرون برویم، اما با خطر مرگ روبرو هستیم، چون قانون هیچ حمایتی از ما نمی کند و از ما لاشه‌های خوبی برای کرکس مرگ می سازد. آگامبن، این وضعیت را وضعیت متداول سیاست امروزی می داند و اعلام وضعیت استثنایی را سازوکار عمل معمول قدرت و سیاست می داند. در چنین حالتی، طبعاً شبکه‌های اجتماعی می توانند با یادآوری جایگاه قانون در به قدرت رساندن حاکمان و قرار دادن اتباع در ذیل حاکمیت آن ها، مانع از تعلیق قانون و شکل گیری وضعیت حذف ادغامی شوند. شبکه‌های اجتماعی می توانند با یادآوری ارزش انسان و هنجارها و ارزش‌های اخلاقی به سیاست، مانع از تبدیل شدن وضعیت استثنایی به وضعیت عادی سیاست شوند.

- را ممکن سازد و به شکل دادن زیست سیاست در جامعه کمک نماید. نظریه زیست سیاست آگامبن از دو منظر با نظریه زیست سیاست فوکو تفاوت دارد. نکته اول آنکه آگامبن بر خلاف فوکو آغاز مساله زیست سیاست را محدود به تحولات جامعه غرب از نیمه قرن شانزدهم به بعد نمی داند و ریشه این مساله را اصولا به یونان باستان و به شکاف مفهومی میان "ژونه" zoe (حیات بیولوژیک و یا طبیعی) و "بیوس" bios (حیات مدنی- سیاسی، که ذیل قانون است) باز می گرداند.

نکته دوم آنکه آگامبن مساله‌ی زیست - سیاست را نه ذیل مفهوم تبارشناسی سوژوی مدرن یا چگونگی ممکن شدن فرآیند سوژه‌سازی و پیوند دانش و قدرت در فرآیند خلق سامانه‌ها، بلکه در نسبت با مساله‌ی «پیوند ژونه و بیوس» یا پیوند «حیات طبیعی و حیات مدنی» مورد بررسی قرار می دهد. به باور آگامبن مهمترین مساله سیاست مدرن همین جای دادن ژونه یا حیات طبیعی ذیل بیوس یا حیات مدنی- سیاسی و از بین بردن شکاف ژونه و بیوس است. فوکو بواسطه مفهوم «جمعیت»، شکافی میان ژونه و بیوس قائل نیست و اصولا دانش حکومت را تنها از طریق دانش جمعیت ممکن می داند و حکومت را چیزی بیش از دانش های انباشت شده در خصوص جمعیت نمی داند. اما آگامبن، معتقد است این شکاف به آسانی قابل حل نیست، چرا که اصولا مهمترین مساله‌ی سیاست نه رفع این شکاف بلکه بازگشت دانمی این شکاف است که با خود پدیدهی خطرناکی به نام «حیات برهنه» را می سازد. اگر زندگی

^[1] فوکو، برخلاف آگامبن که بعد از این از او سخن خواهیم گفت

^[2] فوکو، برخلاف آگامبن که بعد از این از او سخن خواهیم گفت

پیشوا

قامتی از صنوبر زندگی و

خورشید آزاد و

آرام سفید و

چهره‌ای

از جنس تسلیم‌ناپذیری



دستگاه تبلیغات و اطلاع‌رسانی
حزب دمکرات کوردستان ایران